

بسم الله الرحمن الرحيم
وصلی الله علی محمد وآله
تدبر حسینی (ع)

شرح زیارت عاشورا (۱۰)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ

در غربی بی تا به خاک و خون سر خود را گذاشت رو به سمت آسمان پا بر سر دنیا گذاشت
دست مردی آب بر حلقوم خشک او نریخت نیزه‌ی نامرد روی حنجر او پا گذاشت
گفت می خواهم بگیرم دست تو؛ او در عوض چکمه بر پا، پا به روی سینه آقا گذاشت
در حدیث «معراج» خداوند متعال فرمود: «يَا أَحْمَدُ ، لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ، وَصَامَ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ، وَطَوَى مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ ، وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي ، ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سَمْعَتَهَا أَوْ رِئَاسَتَهَا أَوْ حُلِيِّهَا أَوْ زِينَتَهَا لَا يُجَاوِزُنِي فِي دَارِي ، وَلَا أَنْزَعَنَّ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي ، وَعَلَيْكَ سَلَامِي وَمَحَبَّتِي» (إرشاد القلوب : ۲۰۶ ، بحار الأنوار : ۷۷ / ۳۰ / ۶) «ای احمد ! اگر بنده ای به مقدار نماز آسمانیان و زمینیان ، نماز بخواند و به مقدار روزه آسمانیان و زمینیان ، روزه بگیرد و همچو فرشتگان ، از خوردن باز ایستد و چون برهنگان لباس بپوشد ، آن گاه ذره ای دوستی دنیا یا شهرت یا ریاست و یا زیب و زیور آن را در قلبش بینم ، در خانه ام همسایه من نخواهد بود و محبت من را از قلبش برخواهم کند . سلام و محبت من بر تو باد!»

موضوع تدبر: چرا محبت دنیا تا این اندازه با محبت خدا ناسازگار است؟ چه باید کرد تا قلبمان از محبت به دنیا خالی شود؟

پاسخ اجمالی: از امام علی بن الحسین (علیهما السلام) پرسیدند: افضل اعمال نزد خدا چیست؟ فرمود: **ما مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ أَفْضَلُ مِنْ بَغْضِ الدُّنْيَا:** (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۹) «هیچ عملی بعد از معرفت خداوند و رسولش افضل از دشمنی با دنیا نیست!» آنگاه افزود: زیرا برای حب دنیا شعب بسیاری است، و معاصی نیز شعب بسیاری دارد، اولین چیزی که با آن معصیت خدا شد، تکبر ابلیس بود، در آن زمان که ابا کرد، «تکبر» ورزید و از کافران شد. سپس «حرص» بود که سرچشمه معصیت (و ترک اولای) آدم و حوا گشت، در آن زمان که خداوند متعال به آنها فرمود: «از هر جای بهشت می خواهید بخورید، ولی نزدیک این درخت (ممنوع) نشوید که از ستمکاران خواهید بود» ولی آنها به سراغ چیزی رفتند که به آن نیاز نداشتند! و همین برای فرزندان آنها تا روز قیامت باقی ماند؛ چرا که غالب چیزهائی را که انسان می طلبد به آن نیازی ندارد (نیازها غالباً منشأ گناه نیستند، آنچه منشأ گناه است، هوس ها و امور زاید بر نیاز است)، سپس «حسد» بود که

سرچشمه گناه فرزند آدم شد، نسبت به برادرش حسد ورزید و او را به قتل رساند. و از شعب آن، حبّ زنان، حبّ دنیا، حبّ ریاست، حبّ راحتی، حبّ سخن، حبّ برتری، و حبّ ثروت است، اینها هفت خصلتند که همگی در حبّ دنیا جمع اند، و لذا، پیامبران و عالمان بعد از آگاهی بر این حقیقت، گفته اند: «**حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ**». (اصول کافی)، جلد ۲، باب «حبّ الدنيا و الحرص علیها»، حدیث ۸

چون در این زندان بسی نتوان نشست	خویشتن را باز بر از هر چه هست
دستها اول ز خود کوتاه کن	بعد از آن مردانه عزم راه کن
عشوه ابلیس از تلبیس تست	در تو یک یک آرزو ابلیس تست
تا کنی یک آرزو و خود تمام	در تو صد ابلیس زاید و السلام

پاسخ تفصیلی: در شرح این فراز از زیارت عاشورا «**اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخِيئَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتٍ**

مَمَاتٍ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (خداوندا زندگی و حیات ما را زندگی و حیات محمد و خاندانش قرار بده و مرگ ما را مرگ آنان قرار بده)، طبیعتاً می‌باید شناخت خود را در مرحله اول نسبت به حیات و ممات مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) تقویت کنیم؛ اجمالاً می‌دانیم که راه یافتگان به عالم «عندالله» و پیروان آنها از زندگی حقیقی در محضر خداوند برخوردارند، که در حقیقت، مظهر و جلوه اسم «حی» اوست، **(بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)** (آل عمران: ۱۶۹) بلکه زنده‌اند (به حیات ابدی و) در نزد پروردگارشان منتعم‌اند؛ اما حقیقت حیات (محمد

و آل محمد صلوات علیهم) چیزی فراتر از این‌هایی است که می‌دانیم؛ ابو خالد کابلی می‌گوید: از امام باقر (علیه السلام) درباره این آیه پرسیدم که می‌فرماید: **(قَامُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَتْ)** (تغابن: ۸)؛ پس ایمان آورید به خدا و فرستاده اش و نوری که همراه او فرو آمد. امام پاسخ فرمود: «یا خالده، النُّورُ، وَ الله، الائمة من

آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله) الی یوم القیامة، وَ هُمْ، وَ الله نورُ الله الَّذی انزلَ وَ هُمْ، وَ الله، نورُ الله فی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ. وَ الله، یا ابا خالده، لَنُورِ الْإِمَامِ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِیئَةِ بِالنَّهَارِ، وَ هُمْ، وَ الله، یَنُورُونَ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ یَجْجِبُ الله - عَزَّ وَ جَلَّ - نَورَهُمْ عَمَّنْ یَشَاءُ فَتَظَلَمُ قُلُوبُهُمْ...» (الکافی، جلد ۱، صفحه ۱۹۴) ای ابو خالد، نور - به خدا قسم - امامان از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا روز قیامت اند و به خدا قسم، آنها نور خدایند که نازل شده است. و به خدا سوگند، آنها نور خدا در آسمان ها و زمین هستند و به خدا قسم، ای ابو خالد، نور امام در قلوب مؤمنان، روشن تر از روشنائی خورشید در روز است، و به خدا سوگند، آنها دل های مؤمنان را روشن کرده اند و خدای - عزّ و جلّ - نورشان را از هر که

بخواهد می پوشاند، پس دل هایشان تاریک می شود. امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جندب فرمودند: **لَإِنْ أُخْبِيتَ أَنَّ نُجُورَ الْجَلِيلِ فِي دَارِهِ وَ تَسْكُنُ الْفِرْدَوْسَ فِي جَوَارِهِ فَلْتَهْنِ عَلَيْكَ الدُّنْيَا؛** [تحف العقول، ص ۳۰۴]

اگر دوست داری در جوار الهی باشی، باید دنیا در نظر تو خیلی پست شود. یعنی در دنیا از راه و روش آنان

پیروی کنیم تا در آخرت با آنها باشیم و این جز با عشق و سرسپردگی و جانبازی و فداکاری در راه آنان بدست نمی آید؛ از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «**مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَمَاتِي وَ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي ... فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ بَعْدِهِ ...**» (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام ، جلد ۱ ، صفحه ۵۱) هر که می خواهد به حیات من زنده و به مرگ من بمیرد و با من داخل بهشتی شود که خدا به من وعده فرموده، پس باید ولایت و محبت علی و فرزندان او را داشته باشد ...

اگر خواهی که گردی مرغ پرواز
جهان جیفه پیش کر کس انداز
هر که را مشغول دنیا کرده اند
جان او محبوب مولی کرده اند

در سوره نحل می خوانیم که خدای تعالی فرمود: (مَا عِنْدَكُمْ يَفْقَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ) (نحل: ۹۶)؛ آنچه نزد شماست نابودشدنی، و آنچه نزد خداست ماندنی است. در آیات دیگر نیز می خوانیم: (وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى) (قصص: ۶۰ / شوری: ۳۶)؛ آنچه نزد خداست نیکوتر و پایدارتر است و «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت، ۶۴) از امیرالمؤمنین سلام الله علیه نقل شده که درباره دنیا فرمودند: **مَا لَهَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَدْرٌ وَلَا وَزْنٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيهَا بَلَّغْنَا خَلْقًا أَبْقَصَ إِلَيْهِ مِنْهَا وَلَا نَظَرَ إِلَيْهَا مَذْ حَلَقَةٍ** (بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۰۸ و ۱۱۰ ح ۱۰۹) دنیا نزد خدا قدر و وزنی ندارد، و تا آن جا که ما خبر داریم، خدا هیچ خلقی را پست تر از دنیا خلق نکرده است، و از آن روزی که آن را خلق کرده، نظر رحمت به آن نکرده است. سپس می فرماید: **وَلَقَدْ عَرَضْتُ عَلَى نَبِيَّتَا بِمَمَاتِيحِهَا وَخَزَائِنِهَا لَا يَنْقُصُهُ ذَلِكَ مِنْ حَظِّهِ مِنَ الْآخِرَةِ فَأَبَى أَنْ يَشْبَلَهَا؛** خداوند متعال کلیدها و چیزهایی که وسیله رسیدن به دنیاست را خدمت پیغمبر اکرم فرستاد و گفت این ها در اختیار شما بدون این که از مقام اخروی تان کسر شود، هر چه می خواهید از این ها بردارید! حضرت قبول نکردند و گفتند: چیزی که خدا آن را کوچک می شمارد من آن را بزرگ نمی شمارم و دوست ندارم. در نهج البلاغه از امیرمؤمنان سلام الله علیه آمده است که **فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُمَالَةِ الْقَرْظِ وَفَرَاغَةِ الْجَلَمِ؛** (نهج البلاغه، خطبه ۳۲) برای دنیا ارزشی به اندازه کاه و پرز پشم هم قائل نباشید! گله داران در فصلی از سال پشم و موی حیوانات خود را می چینند. وقتی پشم ها را می چینند، پرزهایی در هوا پخش می شود. خود پشم ها را جمع می کنند و به کار می گیرند، ولی هیچ کس به خرده پشم ها و خرده کرک هایی که در هوا پراکنده شده اعتنایی ندارد، و آن ها را دور می ریزند. حضرت می فرماید برای دنیا به اندازه پرز پشمی که هنگام چیدن از حیوانی ریخته می شود نیز ارزش قائل نباشید! و نیز فرمودند: **«أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُخْرَجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ»؛** (نهج البلاغه، خ ۲۰۳) دل هایتان را از دنیا خارج کنید، پیش از آنکه بدن هایتان بیرون برده شود. و رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: **«مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا»؛** (بحار، ج ۴، ص ۳۱۷) بمیرید پیش از آنکه بمیرید. همچنین

فرمودند: «**بموت النفس يكون حياة القلب**»؛ (بحار، ج ۷۰، ص ۳۹۱) با مرگ نفس، حیات قلب تحقق می پذیرد.

ترک دنیا در طریقت اصل دان تا درد نیابی تو، به درمان نرسی

طاعت و سیر وسلو کش فرع خوان تا جان ندهی به وصل جانان نرسی

از آثار حیات طیبه، شادی و آرامش درونی است که قرآن کریم در توصیف اولیای خدا و اهل حیات طیبه فرمود: **(أَلَا لِنَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ)** (یونس: ۶۲-۶۳)؛ آگاه باشید که اولیای خدا از هر بیم و اندوهی سلامت و آسوده اند؛ کسانی که ایمان آورده و پرهیزگار بوده اند. و نیز می فرماید: **(مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)** (مائده: ۶۹)؛ کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد، هیچ هراس و اندوهی ندارد. و این به خاطر مجاهدت هایی است که در دنیا تحمل کرده اند، در شرح حال اهل آخرت در حدیث «معراج» فرمودند: **«يَمُوتُ النَّاسُ مَرَّةً وَ يَمُوتُ أَحَدُهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ مُجَاهَدَةِ أَنْفُسِهِمْ وَ مَخَالَفَةِ هَوَاهُمْ وَ الشَّيْطَانِ الَّذِي يَجْرِي فِي عُرُوقِهِمْ ... فَوَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَحْيَيْتُهُمْ حَيَاةً طَيِّبَةً»**؛ (بحار، ج ۲۷، ص ۲۴). مردمان یک بار می میرند، ولی اهل آخرت هر کدام روزی هفتاد بار شهد شهادت را در راه جهاد با نفس و هوس ها و شیطانی که در رگ های آدمی در حرکت است، می چشند... به عزت و جلال سوگند! آنها را به حیات طیبه زنده می کنم.» بی دلیل نیست که سید الشهداء (ع) «رحمة الله الواسعة» نامیده شده است؛ در زیارت «اربعین» که از بهترین زیارت های آن حضرت است می خوانیم: **«بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ»**. خون قلبش را در راه تو داد تا مردم از جهالت نجات پیدا کنند و از ضلالت و گمراهی عملی هدایت بشوند؛ این یعنی رحمة الله الواسعة؛ اگر عاشورا نبود مؤمنین در مقابل فتنه ها پناهگاه نداشتند. امام حسین (ع) حاضر شد زن و بچه اش اسیر شوند تا ما اسیر شیطان و هوای نفس نباشیم.»

در شب غمگین عاشورا

شیخ مفید در ارشاد روایت کرده: عید الله ملعون - لعنت خدا هزار هزار بار بر او باد که دل زینب رو آتش زد - نامه ای به بدتر از خودش داد - شمر بن ذی الجوشن - نامه رو از کوفه بیاره کربلا،

مکتوب، می رسید فراوان ولی دریغ خطش تمام کوفی و مهرش فریب بود

نامه خطاب به عمر سعه: اما بعد، من تو رو نفرستادم که از جنگ کناره گیری کنی، تو رو نفرستادم که باحسین به مسامحه رفتار کنی یا بخوای وساطت کنی، همون جا شرط کرد، این نامه به حسب ظاهر چند روز قبل عاشورا رسیده، تصریح کرد بین اگر حسین بن علی و اصحابش به اون چیزی که من حکم می کنم تن دادند که هیچ؛ اونا رو دستگیر می کنی تسلیم من می کنی **«قُلْ أَبَا فَادِهُبِ إِلَيْهِمْ»** اگر نپذیرفتند بهشون هجوم بیا **«حَتَّى**

تَقْتُلَهُمْ "اول اینارو می کشید،" **و تُمَثِّلَ هُم** "بدنهاشون رو مثله می کنی، بدناشون رو قطعه قطعه می کنی" **فَانْهَم**
لِذَلِكَ مُسْتَحَقُونَ "آخه مستحقشن، حق حسینه که بدنش پاره پاره بشه یه چیز دیگه هم از قبل خودش تعهد
 کرده بود" **فَان قَتَلَتْ حُسَيْنَا فَأَوْطَيْتِ الْخَيْلَ صَدْرَهُ وَ ظَهْرَهُ** "وقتی حسین کشته شد اسب ها رو روونه می کنید
 دلم می خواد هم سینه شو هم پشتشو له کنند همه چی مشخص بود بعد هم خودش گفت: این کاری که من نیت
 کردم بعد از کشته شدنش زیانی به اون نمی رسونه ولی من عهد کردم که اگر حسین بن علی رو کشتم اسب ها
 رو روانه کنم روی پیکرش.

در این لحظه وداع عمه وارباب دیدن داشت	لهوف روضه هاشان هم شنیدن داشت
تیغ قاتل نیز تصمیم بریدن داشت...	قد زینب کبری خمیدن داشت
شب بود و صحرای بلا بود و حرم بود	جان ها به کف، تنها سپر، سرها علم بود
آن شب خدا بود و خدا بود و خدا بود	برلب دعا بود و دعا بود و دعا بود

لا حول ولا قوّة الا بالله العلی العظیم

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة